



## پیرامون رویداد خونین اهواز

با گذشت دو روز از حمله مسلحانه به رژه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در اهواز، در حالی که هر روز اخبار ضد و نقیض تازه ای در مورد هویت عاملین این حمله و چگونگی آن از طرف رسانه های رسمی منتشر می گردند، در همان حال کمپین سیستماتیک مسمومی از طرف دشمنان مردم ستمدیده ایران به راه انداخته شده است. این کمپین، ضمن کوشش برای یک کاسه کردن مبارزه و مقاومت مسلحانه مشروع مردمی علیه دژخیمان حاکم با "تروریسم"، جنبش توده های به پاخاسته و گرسنه و خواستها و مطالبات بر حق آنها را هدف سمپاشی های ایدئولوژیک خود قرار داده است.

روز ۲۱ شهریور ۱۳۹۷، در حالی که رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی به بهانه سالگرد آغاز جنگ امپریالیستی خائنان برانداز ایران و عراق، خیابان های اهواز را به صحنه رژه نیروهای سرکوب و نمایش قدردستی خود بدل کرده بود، مطابق گزارشات منتشره، این نمایش از سوی چهار فرد مسلح، مورد حمله قرار گرفت و در جریان آتشباری به سوی واحدهای رژه رونده و مردم حاضر در صحنه، ۲۵ تن از نیروهای رژیم و تماشاچیان کشته و بیش از ۶۰ نفر نیز زخمی شدند.

هر چند مدت کوتاهی پس از انجام این عملیات، سخنگوی نیروئی تحت نام "مقاومت ملی الاحواز" مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت، اما چیزی نگذشت که اعلام شد گروه مزبور، ارتباط این حمله با جریان خود را تکذیب کرده است. در همین زمان دار و دسته ضد انقلابی داعش با انتشار ویدئویی از چهره عاملین این حمله و سپس انتشار عکس اجساد آنها، مدعی شد که این عملیات توسط نیروهای این جریان مردم ستیز صورت گرفته است.

در مورد عاملین این حادثه نیز گزارش های رسمی به طور ضد و نقیض ابتدا از کشته شدن ۲ نفر خبر دادند. سپس اعلام شد که هر ۴ نفر کشته شده اند. تا آنجا که به افکار عمومی مردم ما نیز باز می گردد، توده های ستمدیده ای که تجربه ۴۰ سال سرکوب و توطئه و جنایات رژیم را با گوشت و پوست خود لمس می کنند، اعتقاد دارند که تشخیص دستان پلید جمهوری اسلامی و دستگاه های اطلاعاتی آن در این رویداد غیر قابل انکار می باشد. بویژه آن که مقامات ضد خلقی جمهوری اسلامی ضمن انتساب این حمله مسلحانه به نیروهای وابسته به بیگانه و بویژه کشورهای عربی، به عریه کشیدن برای نیروها و مردم مبارز پرداخته و با اسم رمز "مبارزه" و پاسخ "قاطعانه" به تروریسم، عملاً به تشدید پیگرد و سرکوب شدیدتر مردم، زیر نام برقراری "امنیت" پرداخته اند.

مسئلاً یک نیروی مسئول، در غیاب یک منبع خبری مستقل و با توجه به اغتشاش فکری ای که رسانه های داخلی و خارجی با پخش اخبار ضد و نقیض در افکار عمومی ایجاد کرده اند، نمی تواند به طور قاطع نسبت به هویت جریان و یا نیروهای سازمانده و مجری این عملیات اظهار نظر کند. اما تا آن جا که به داده های موجود و برخی شواهد جاری باز می گردد، می توان تاکید کرد که عملیات مسلحانه در اهواز کار نیروها و محافل ضد انقلابی بود که ربطی به جنبش انقلابی مردم ما و توده های تحت ستم و رنجدیده عرب و خواستها و مطالبات آنان نداشته و در واقع در شرایط بحرانی کنونی، اهداف ضد مردمی مشخصی را دنبال کرده اند. قویترین شاهد موجود در این زمینه این است که برغم آن که مهاجمان بر اساس گزارشات منتشر شده از مواضع خود در پشت صحنه و جایگاه مخصوص مقامات بهترین فرصت برای حمله و تیراندازی به مشتی از مقامات جنایتکار رژیم نظیر

نماینده ولی فقیه و استاندار ضد خلقی (که برخورد کارگر ستیزانه اخیرش علیه کارگران به جان آمده و گرسنه هفت تپه ، شهره خاص و عام است) و سایر مقامات و سران لشکری را داشته اند ، اما صفوف رژه و جمعیت ناظر این نمایشات را بدون قایل شدن هیچ تمایزی ، هدف قرار داده و تعدادی از تماشاچیان غیر نظامی و ناظر در این مراسم را به خاک و خون کشیده اند. هیچ نیروی انقلابی و مردمی آگاهانه به سوی مردم غیر مسلح تیراندازی نمی کند. باید گفت که آتشباری بدون تمایز به جمعیتی که هم از مزدوران رژیم و هم از تماشاچیان نمایش رژه در آن حضور دارند، آن هم به جای هدف گرفتن تریبونی که جایگاه استقرار مستی از دژخیمان حکومت است ، در نفس خود اهداف ارتجاعی و ماهیت غیر انقلابی سازمان دهندگان و مجریان این حمله را نشان می دهد. آینده به روشنی نشان خواهد داد که چه دستهای آلوده ای در پشت این عملیات مسلحانه قرار داشته و برای چه منظوری آن را سازماندهی و اجرا کرده اند.

اما مهمتر از صرف کشف هویت عاملان این حمله مسلحانه، تعمق در افشای کارزار مسموم و ضد انقلابی ای ضروری است که بلافاصله پس از این رویداد توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و تمامی مرتجعین داخلی و خارجی حامی آن به طور هماهنگ به اجرا درآمد و مستی از نیروهای اپورتونیست و سازشکار وطنی را هم با ساز خود رقصاند. اُرکستری از نیروهای متعلق به جبهه دشمن از اصلاح طلبان و مدافعین "نافرمانی مدنی" گرفته تا نیروهای سازشکار در درون صف خلق ، همگی با تکیه بر عریده کشی ها و تهدیدات دژخیمان حاکم و اقدامات عملی سرکوبگرانه آنها علیه توده ها در اهواز ، به ایجاد هراس در دل مردم پرداخته و به توده های انقلابی و نیروهای آگاه و پیشرو جامعه اخطار می دهند که اگر علیه دشمن غداری که زبانی جز گلوله و شکنجه و اعدام نمی شناسد ، دست به اعمال قهر بزنند و بخواهند از حیثیت و شرف انسانی و حقوق خود و فرزندانیشان با اعمال قهر و مبارزه مسلحانه دفاع کنند، "بهانه" به دست رژیم خواهند داد تا آن ها را سرکوب و فضای جامعه را امنیتی کند!

بدون آن که لازم باشد در این جا ماهیت سازشکارانه و اصلاح طلبانه چنان نظراتی به تفصیل مورد بررسی قرار گیرد، باید از این مدعیان پرسید که آیا بدون پایمال کردن حقیقت و تجارب چهل سال سرکوب سیستماتیک توده ها توسط جمهوری اسلامی ، می توان مدعی شد که جمهوری اسلامی تمامی جنایات خونین و وحشتناک چهل ساله سلطه خونینش را علیه مردم ما به این دلیل انجام داده که توده ها و نیروهای پیشرو جامعه مقابل جلاخان حاکم دست به سلاح برده بودند؟ آیا قتل عام کارگران اسلامشهر و خانواده های آنان از زمین و هوا ، در دوره رفسنجانی به دلیل آن بود که این کارگران به اقدامات "تروریستی" علیه نظام دست زده بودند؟ آ. پی. جی زدن به میان تظاهرات مسالمت آمیز مردم تحت ستم قزوین در همان دوره چطور؟ در آن زمان کدام اقدام مسلحانه علیه رژیم صورت گرفته بود که جمهوری اسلامی به "بهانه" به آن ، به آنچنان جنایاتی دست زد؟ دیگر از جنایات بیشمار این رژیم در حق مردم ایران به خصوص کارگران و زحمتکشان نظیر رد شدن با ماشین از روی معترضین بی سلاح جنبش ۸۸ و تکرار چنین جنایتی در حق کارگران فولاد اهواز در چند ماه اخیر و... دستگیری، شکنجه و اعدام ، نه فقط مبارزان سیاسی بلکه حتی مردمان عادی - که امر متداولی در این رژیم جنایتکار می باشد و جمهوری اسلامی با هیچ "بهانه" ای و بدون آن که با عملیات مسلحانه ای مواجه شود ، مرتکب آن ها شده و می شود - سخنی نمی گوئیم.

باید در نظر داشت که عملیات مسلحانه اخیر در اهواز که بر اساس اطلاعات منتشر شده ، وجود دستهای آلوده و نیروها و محافل ارتجاعی در آن هویداست ، در متن شرایط ناشی از بحران انقلابی ای که جامعه ما را فرا گرفته است صورت گرفته و در همین متن نیز باید مورد بررسی قرار گیرد. اکنون به دنبال ماه ها کشاکش شدید بین کارگران و خلقهای تحت ستمی که در بیش از ۱۴۰ شهر و روستا برای برافکندن نظام پوسیده حاکم و تحقق

نان، کار، آزادی و استقلال از سطله امپریالیستها به پا خاستند، جمهوری اسلامی با احساس اطمینان از حمایت سرمایه داران جهانی و بومی، خود را برای یک تعرض هر چه وحشیانه تر به توده های به جان آمده آماده ساخته است. در طول ماهای اخیر صحنه های اعجاب آوری که از دلیری و شهادت انقلابی توده ها و بویژه کارگران و جوانان مبارز و انقلابی در جریان این موج انقلابی، در مواجهه با ماشین سرکوب حکومت به خصوص در درود و قهدریجان و اصفهان و کازرون و تهران و اراک و اهواز ... خلق شدند، نمی توانست به پاسخ هر چه شدیدتر دژخیمان حاکم منجر نگردد و همانطور که شاهدیم، میلیتاریزه کردن همه مناطق ایران، برقراری حکومت نظامی اعلام نشده در خیلی از شهرها، موج وسیع و وحشیانه بگیر و ببند و شکنجه و زندان کارگران و فعالین کارگری و مدنی و جوانان مبارز در سراسر کشور، همگی بیانگر تشدید اعمال سرکوبگرانه از طرف این رژیم می باشد.

این یک قانونبندی کلی و حاکم بر هر انقلابی ست که انقلاب در جریان پیشرفت و تعمیق خود، یک ضد انقلاب هر چه فشرده تر و هارتر را به وجود می آورد. در چنین اوضاعی، تنها کوشش در مسلح کردن توده ها و مقابله مسلحانه با ارتجاع قادر است از پیشروی ضد انقلاب جلوگیری نماید. اما اگر روشنفکران انقلابی نتوانند به چنین کاری اقدام نموده و در جهت بسیج و سازماندهی مسلحانه توده ها حرکت کنند، در این صورت با فروکشی انقلاب، ضد انقلاب قدرت بیشتری در سرکوب انقلاب خواهد یافت و با به خاک و خون کشیدن توده ها، بار دیگر بر آنان مسلط خواهد شد. امروز ضد انقلاب هار و وحشی جمهوری اسلامی برای حفظ حکومت لرزان و بی پایه خود که از اولین روز تا کنون، اساساً با قدرت تفنگ و سرنیزه حفظ شده، در غیاب مقاومت مسلحانه سازمان یافته توده ها توسط نیروهای آگاه و روشنفکر جامعه، در چنین جهتی پیش می رود.

بنابراین در ارتباط با اقدام مسلحانه ضد انقلابی اخیر در اهواز، بحث این نیست که دژخیمان تبهکار حاکم نمی توانند از آن عملیات برای تشدید سرکوب و پیگرد هر چه بیشتر مردم مبارز ما استفاده کنند. ضد انقلاب همواره در نبرد با انقلاب به هر توطئه و اقدام ضد انقلابی دخیل می بندد. بحث این است که کسانی سعی می کنند در حین تاکید بر تروریستی بودن اقدام مسلحانه اخیر، این واقعیت را لاپوشانی کنند که اولاً چنان اقدامی درست به دلیل ماهیت ضد انقلابی خود برخلاف یک عمل انقلابی خواست هدف گرفتن دژخیمان و ایجاد وحشت در دل دشمن و ستمگران حاکم را نداشته و حاوی یک پیام انقلابی و روشن در دفاع از منافع ستمکشان و محرومین جامعه و کاشتن امید در دل آن ها نبوده است. ثانیاً استفاده ضد انقلابی جمهوری اسلامی از آن در شرایط فقدان یک قدرت مسلح انقلابی متعلق به مردم صورت می گیرد که اگر وجود داشت علیرغم همه تشبثات جمهوری اسلامی، امکان قدرت نمائی به دشمن نمی داد.

عملیات مسلحانه اهواز، دستاویزی را در اختیار دشمنان مردم ما و بخصوص اصلاح طلبان جلاد حکومتی قرار داده تا با استناد به آن، برای تعرض ماشین سرکوب به توده ها توجیه تازه تری بتراشند. جای تاسف اما آن جاست که طبق معمول چهار دهه گذشته، این بار هم گروهی از سازشکاران لانه کرده در صف مردم و چپ های وطنی ای که در عمل تئوری ها و تحلیل هایشان را از همین اصلاح طلبان مرتجع می گیرند، در مسیر بازداشتن توده ها از انقلاب، در مسیر عوامفریبی و سازشکاری، و چه بخواهند و یا نخواهند، در مسیر خدمت به بقای بیشتر عمر نظام استثمارگرانه حاکم، به تکاپو افتاده اند و زیر نام مرزبندی با تروریسم، به نفی حق مشروع توده ها در دست زدن به انقلاب و بکار گیری ابزار لازم برای تضمین پیروزی آن، یعنی مبارزه و مقاومت مسلحانه پرداخته و می کوشند تا توده ها را از دست یازیدن به قهر بازدارند. آن ها هیچ وظیفه ای برای نیروی روشنفکر و پیشرو جامعه در سازماندهی مسلحانه توده ها قائل نیستند و با این توجیه که هر گونه مبارزه قهر

آمیز و غیر صلح آمیز باعث "خشن" شدن دژخیمان وحشی حاکم شده و "هزینه" مبارزه را بالا می برد، سدی در مقابل پیشرفت انقلاب توده ها ایجاد می کنند.

اما، برخلاف یاوه گویی های بی پایه اصلاح طلبان و پیروانشان در میان چپ های وطنی، واقعیات سرسخت زمینی در جامعه تحت سلطه ما و تجربه ۴۰ سال حکمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی نشان داده است که کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان و خلقهای تحت ستم ما در شرایط حساس و بحرانی کنونی، برای پیشرفت و به سرانجام رساندن جنبش انقلابی خود، برای ساختن یک جامعه دمکراتیک که از شر تمام مظالم و نكبت‌های آفریده شده توسط رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران داخلی و خارجی خلاص شده باشد ، هیچ راهی جز متشکل شدن و مسلح شدن و تشکیل یک ارتش توده ای برای مقابله با نیروهای مسلح ضدانقلابی و وحشی رژیم حاکم ندارند. تجربه مبارزات توده ها نشان داده است که تنها یک خلق مسلح ، شایسته آزاد زیستن است. بدون دست بردن به سلاح و جنگیدن با دشمنی که هیچ زبانی جز زبان گلوله و قهر نمی شناسد ، تنها یک مرگ تدریجی در انتظار نسل به پاخاسته کنونی خواهد بود. این یکی از مهمترین درس‌هایی ست که می توان از رویدادهای اخیر در اهواز گرفت.

**نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!**  
**زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی ست!**  
**زنده باد انقلاب!**  
**با ایمان به پیروزی راهمان**

چریک‌های فدایی خلق ایران  
دوم مهر ۱۳۹۷